

انقلاب اسلامی ایران و مُجددان بزرگ مذهب شیعه

کامیار صداقت ثمرحسینی*

چکیده

انقلاب اسلامی ایران زمانی به پیروزی رسید که قابلیت پذیرش استعمار و استبداد در میان مردم از میان رفت. این اتفاق در فضای فرهنگی‌ای رخ داد که توسط سه تن از احیاگران و مُجددان بزرگ معاصر شیعه، یعنی امام خمینی (ولایت‌فقیه)، علامه امینی (ولایت) و علامه طباطبایی (علوم قرآن) مهیا شده بود. ضمن آنکه حلقه احیاگران مذکور در کنار حلقه تقریب مذاهب اسلامی، فرهنگ اصلی انقلاب اسلامی ایران را شکل دادند. از منظر آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب، از دهه ۱۳۷۰، کوشش بسیاری در راستای محو آثار علامه امینی، علامه طباطبایی و امام خمینی از سوی مخالفان انقلاب به عمل آمده است. انقلاب اسلامی ایران تا زمانی در مسیر صحیح خود گام برمی‌دارد که از این بستر پر بار فرهنگی فاصله نگیرد و پی در پی به غنای آن بیفزاید.

واژگان کلیدی

احیاگری اسلامی، امام خمینی، انقلاب اسلامی ایران، تقریب مذاهب اسلامی، عبدالحسین امینی، سیدمحمدحسین طباطبایی، شیعه.

مقدمه

مالک بن نبی (۱۹۷۲ - ۱۹۰۵م) از اندیشمندان الجزایری، نظریه جالب توجهی درباره استعمار دارد. او این پرسش را مطرح می‌کند که آیا استعمار علت مشکلات جهان اسلام است و یا معلول آن؟ و در پاسخ به پرسش مذکور، موضوع «قابلیت پذیرش استعمار» را پیش می‌کشد. یعنی استعمار نمی‌تواند بر ملتی حاکم

* استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - مرکز تحقیقات امام علی علیه السلام.

شود مگر آنکه آن ملت، مُستعد پذیرش استعمار شده باشد. البته این رابطه متقابل است؛ یعنی علاوه بر عوامل درونی، استعمارگران نیز به اقتضای منافع خود در تحقق و تداوم چنین قابلیت‌هایی در میان ملت‌ها می‌کوشند. (جهامی، ۲۰۰۲: ۳ / ۱۱۶) پس در مجموع میان ورود استعمار و افول ارزش و جایگاه اندیشه در تحولات اجتماعی مستعمرات، رابطه‌ای مشخص موجود است. به تعبیر بن نبی، استعمار «فکر را نازا و سیاست را نابینا می‌کند» (همان: ۳ / ۱۱۴) و «از ناحیه‌ای وارد می‌شود که کمترین فکر و برنامه‌ریزی برای آن شده است». (همان: ۳ / ۱۱۵)

بر مبنای دیدگاه مالک بن نبی، انقلاب اسلامی ایران از زمانی پیروز شد که احیاگران بزرگ اسلامی توانستند قابلیت پذیرش استعمار و استبداد را در جامعه ایرانی از میان ببرند. پس پژوهش درباره انقلاب اسلامی ایران نیازمند شناخت فضای فکری و اعتقادی متمایزی است که موجب چنین رخدادی در جامعه ایران شد و آن احیاءِ اسلامی توسط سه مُجدد بزرگ مذهب است.^۱

پیش از معرفی مُجددانی که با آثارشان امکان پذیرش سلطه غرب را ناممکن ساختند، اشاره‌ای کوتاه به چند جریان به اصطلاح روشنفکری در دوران پهلوی خالی از فایده نخواهد بود. در آن زمان، رژیم پهلوی با «سیاست ضد روحانیت»، به دنبال باستان‌گرایی در کنار «تجدد در حد غرب‌گرایی افراطی» بود (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۲۶۱ و ۲۶۵) و پیشرفت کشور را بر پایه اخذ محصولات غربی به امید اخذ تمدن غربی دنبال می‌کرد که البته شکست آن از همان ابتدا قابل پیش‌بینی بود؛ زیرا صرف نظر از معایب بسیار تمدن غرب و عدم تناسب آن با جامعه ایران، نَفَس هر تمدن ابداع است و نه تقلید و نمی‌توان تمدنی را بر پایه ورود و مونتاژ محصولاتش اخذ کرد. برخی از روشنفکران نیز به ارائه طرح‌هایی از قبیل انطباق کامل با زندگی غربی، رویگردانی از برخی سنت‌ها و شعائر دینی و یا محلی پرداختند. برای مثال چنین ادعا شد که با تغییر زبان و یا تغییر لباس و پوشاک، پیشرفت حاصل می‌شود. این‌گونه افکار گاه با لعاب و ظاهری اسلامی عرضه می‌شدند؛ همان کاری که از بدو ورود استعمار غربی در دستور کار تغییر فرهنگی جوامع اسلامی بوده است؛ چنان‌که میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله (۱۳۲۶ - ۱۳۴۹ ق) در جمع مبلغان مسیحی در شهر لندن (۱۸۹۱م) چنین می‌گوید:

تردید نیست که باید آن اصولی را که اساس تمدن «شما» را می‌سازند اخذ نماییم، اما به جای اینکه آن را از لندن و پاریس بگیریم و بگوییم که فلان سفیر یا فلان دولت چنین و چنان می‌گوید (که هرگز هم پذیرفته نمی‌شود) آسان است که آن اصول را اخذ نماییم و بگوییم که منبع آنها اسلام است. ثبوت این امر به آسانی امکان دارد و این را به تجربه دانسته‌ایم. یعنی

۱. تعبیر مجدد مذهب درباره علامه امینی رحمته‌الله از مرحوم سیدجعفر شهیدی (۱۳۸۶ - ۱۳۹۷) است که در این مقاله به امام خمینی رحمته‌الله و علامه طباطبایی رحمته‌الله نیز اطلاق شده است. تعریف ایشان از مجددان مذهب عبارت است از شخصیت‌های علمی شیعه که از آغاز غیبت صغری یعنی ۲۶۰هـ تا امروز، با کوشش‌های علمی و عملی خویش، مسیر فکری مذهب شیعه را تثبیت کرده‌اند و یا بدان رونقی داده‌اند. (شهیدی، ۱۳۵۲: ۶۸۶؛ حکیمی [گردآورنده]، ۱۳۹۶ق: ۴۵۶)

همان افکاری که از اروپا آمدند و مطرود بودند همین که گفته و ثابت شد که در خود اسلام نهفته‌اند، بی‌درنگ و از روی اشتیاق مقبول گردیدند. (نورایی، ۱۳۵۲: ۲۳۳)

در چنین دورانی، جریان اصلی در حوزه‌های علمیه شیعه ظاهر شد که به ظاهر در شاخه‌های مختلف علمی، اما در یک چارچوب و با هدفی مشترک، مترصد احیای درونی ارزش‌ها و باورهای مذهب شیعه، در سه حوزه قرآن، فقه تاریخ (اعتقادات) و فقه (شریعت) بود که به لحاظ اهمیت محتوای آن، در چند سده اخیر بی‌سابقه بوده است. از اینان سه احیاگر و یا مُجدد بزرگ مذهب شیعه نقش بارزتری را ایفا کردند که عبارتند از: علامه امینی (اعتقادات)، علامه طباطبایی (علوم قرآن) و امام خمینی (فقه سیاسی با طرح موضوع ولایت فقیه). همچنین ظهور جریان رسمی تقریب مذاهب اسلامی میان علمای شیعه و اهل سنت در زمان آیت‌الله العظمی بروجردی (۱۲۹۲ - ۱۳۸۰ق) واقعه‌ای بسیار مهم است که در ادامه به دلایل اهمیت آن در خصوص انقلاب اسلامی اشاره خواهد شد.



بسیاری از علمای مذهبی انقلاب اسلامی ایران از شاگردان این دو حلقه مهم در تاریخ اندیشه معاصر شیعه بوده‌اند. از فهرست طولانی آن می‌توان به آیات عظام سیدعلی خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، شهید مرتضی مطهری (۱۳۵۸ - ۱۲۹۸)، محمد فاضل لنکرانی (۱۳۸۶ - ۱۳۱۰)، عبدالله جوادی آملی، شهید سیدمحمد حسینی بهشتی (۱۳۶۰ - ۱۳۰۷)، محمدهادی معرفت (۱۳۸۵ - ۱۳۰۹)، علی مشکینی (۱۳۸۶ - ۱۳۰۰)، ناصر مکارم شیرازی، محمدتقی مصباح یزدی، محمدعلی تسخیری و بسیاری دیگر اشاره کرد که ذکر نام تمامی آنان در این مختصر ممکن نیست. همچنین در کنار حلقه فکری مذکور، برخی دیگر از علمای اسلام به تقویت فرهنگ اعتقادی، قرآنی و فقهی این سه احیاگر بزرگ معاصر پرداختند که از میان آنها می‌توان به شهید سیدمحمد باقر صدر (۱۳۵۹ - ۱۳۱۳)، علامه سیدمرتضی عسکری (۱۳۸۶ - ۱۲۹۳) و علامه محمدتقی جعفری (۱۳۷۷ - ۱۳۰۴) اشاره کرد. بنابراین انقلاب اسلامی ایران برخاسته از کوشش سترگ علمایی است که با تجدید حیات درونی شیعه و با تأکید بر آرمان تقریب مذاهب اسلامی، روحیه استعمارپذیری را از میان جامعه از میان بردند و آن را آماده بزرگ‌ترین انقلاب تاریخ کردند.

موضوع	امام خمینی	علامه امینی	علامه طباطبایی
۱ دستاورد	احیای فقه سیاسی (ولایت فقیه)، رهبری و هدایت انقلاب اسلامی ایران.	احیای فقه تاریخ (در حوزه اعتقادات)	احیای تفسیر قرآن بر پایه مکتب اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲ برخی از آثار شاخص	ولایت فقیه، مجموعه سخنان (صحیفه نور)، وصیت‌نامه سیاسی الهی	شهداء الفضیله، الغدیر	المیزان فی تفسیر القرآن
۳ میزان تأثیرگذاری بر پژوهش	تغییر مسیر مطالعات پس از خود	تغییر مسیر مطالعات پس از خود	تغییر مسیر مطالعات پس از خود
۴ روش پژوهش	سنتی - مخالف خلط مفاهیم و روش‌های اسلامی با غربی	سنتی - مخالف خلط مفاهیم و روش‌های اسلامی با غربی	سنتی - مخالف خلط مفاهیم و روش‌های اسلامی با غربی
۵ وجه معروفیت	در نزد خواص: جامع علوم اسلامی در نزد عموم: فقیه	در نزد خواص: جامع علوم اسلامی در نزد عموم: مورخ اسلامی	در نزد خواص: جامع علوم اسلامی در نزد عموم: مفسر قرآن
۶ برخی از اساتید	عبدالکریم حائری یزدی محمدعلی شاه‌آبادی	میرزای نائینی، عبدالکریم حائری یزدی، محمدحسین غروی اصفهانی،	میرزای نائینی، محمدحسین غروی اصفهانی، قاضی طباطبایی،
۷ شاگردان	دارای نسل شاگردان مستقیم، همچون: محمدهادی معرفت، عبدالله جوادی آملی، مرتضی مطهری، محمد فاضل‌لنکرانی و ...	عموماً غیرمستقیم. برخی از شاگردان مستقیم: سیدعبدالعزیز طباطبایی، اسد حیدر نجفی، محمدباقر محمودی	دارای نسل شاگردان مستقیم، همچون: عبدالله جوادی آملی، حسن حسن‌زاده آملی، محمدتقی مصباح یزدی، مرتضی مطهری و ...
۸ نگاه به جهان اسلام	تقریبی، معتقد به آرمان وحدت اسلامی با حفظ اصول اعتقادی.	تقریبی، معتقد به آرمان وحدت اسلامی با حفظ اصول اعتقادی.	تقریبی، معتقد به آرمان وحدت اسلامی با حفظ اصول اعتقادی.

حلقه مجددان مذهب

چنان‌که گذشت، در طول دوران پهلوی، به‌ویژه در میانه سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش، علامه امینی، علامه طباطبایی و امام خمینی، میراث بزرگی از خود در حوزه اعتقادات، علوم قرآن و فقه سیاسی به یادگار گذاشتند که هم در شکل‌گیری فرهنگ انقلاب اسلامی و هم در ایجاد شرایط تداوم آن بسیار اهمیت داشت. برخی از دلایل این تأثیرگذاری عبارتند از:

۱. تا اصل «ولایت» در جامعه مستحکم نشود، اصل «ولایت فقیه» حاکم نخواهد شد. در واقع، الغدیر علامه امینی، مقدم بر ولایت فقیه مرحوم حضرت امام علیه السلام است و تأثیرگذارترین اثری است که در راستای تحکیم اصل «ولایت» در دوران معاصر نوشته شده است.

۲. غالب شاگردان برجسته حضرت امام خمینی علیه السلام از شاگردان علامه طباطبایی علیه السلام نیز بوده‌اند.

۳. تمامی شاگردان مکتب امام خمینی علیه السلام تحت تأثیر الغدیر علامه امینی علیه السلام واقع شده‌اند. چه آنکه این کتاب در زمان خود، انقلاب فکری بزرگی در حوزه‌های علمیه به پا کرد و بازتاب‌هایی وسیع در جهان اسلام داشت که به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری «موجی عظیم در جهان اسلام پدید آورد». (گروهی از

دانشمندان، ۱۳۵۲: ۲۳۳)

۴. کار این سه تن میدل به سنتی زنده و مستمر شد؛ زیرا آنان تحقیقاتشان را مکتوب کردند و به تربیت شاگردان برای ادامه کار، اهتمام داشتند. بنابراین به راحتی می‌توان از امام خمینی و شاگردانش، علامه طباطبایی و شاگردانش، و علامه امینی و شاگردانش سخن گفت.

علامه عبدالحسین امینی (۱۳۹۰ - ۱۳۲۰ق)، برجسته‌ترین شخصیتی است که در طول این دوران به تحکیم موضوع ولایت در جوامع شیعی و جهان اسلام پرداخت. او از شاگردان معروف آیات عظام میرزا حسین نائینی (۱۳۵۵ - ۱۲۷۶ق) صاحب کتاب «تنبيه الامة و تنزيه الملة»، عبدالکریم حائری یزدی (۱۳۵۵ - ۱۲۷۶ق)، محمدحسین غروی اصفهانی (۱۳۶۱ - ۱۲۹۶ق) بود. امام خمینی نیز از شاگردان مرحوم عبدالکریم حائری یزدی و نیز میرزامحمدعلی شاه‌آبادی (۱۳۶۹ - ۱۲۹۲ق) صاحب کتاب «شذرات المعارف» به شمار می‌رفت و نیز علامه سیدمحمدحسین طباطبایی (۱۴۰۲ - ۱۳۲۱ق) هم از شاگردان معروف مرحوم نائینی و محمدحسین غروی اصفهانی بود که بررسی این شجره‌نامه‌های علمی، خود مجال دیگری را می‌طلبد.

اولین اثر علامه امینی با عنوان «شهداء الفضيلة»، در سن ۳۵ سالگی در نجف اشرف (سال ۱۳۵۵ق) منتشر شد که به شهدای روحانیت شیعه از سده چهارم هجری به بعد می‌پردازد که در راه ولایت به شهادت رسیده‌اند. این کتاب که آکنده از تتبعات تاریخی ارزشمندی است، روحیه شهادت‌طلبی در آرمان دفاع از ولایت را به نسل بعدی روحانیت منتقل کرد و مورد تمجید علمای آن زمان واقع شد. اما از میان آثار علامه امینی، کتاب الغدير او که در سال ۱۳۶۴ هجری در نجف اشرف منتشر شد، یکی از برجسته‌ترین آثار معاصر شیعه در حوزه اعتقادات است که صرف‌نظر از تأثیر شگرف آن بر جهان اسلام، سطح مطالعات و تحقیقات در حوزه اعتقادات شیعه را ارتقا بخشید. اهمیت الغدير تنها در طرح مبسوط و مستند مسئله امامت و خلافت از دید شیعه نیست؛ بلکه الغدير دایره‌المعارف بزرگی از اعتقادات شیعه است که حقایق تاریخی را به‌گونه‌ای مستند و دقیق ارائه می‌کند و نیز عملاً یک دوره آموزش «جامع‌نگری» برای روحانیت است. توجه شود که نام دقیق کتاب الغدير چنین است: «الغدير فی الکتاب و السنة و الادب؛ کتاب دینی، علمی، فنی، تاریخی، ادبی، اخلاقی ...». ایشان در ضمن بحث درباره «تاریخ صحیح»، به زوایای مختلفی که ممکن است مورخ، عالم اخلاق، مفسر، سیاستمدار و غیره از آن طریق به تاریخ روی آورند، می‌پردازد. (امینی، ۱۴۱۴: ۱ / ۲۱ - ۱۹) جامع‌نگری یکی از اهداف مهم امینی در زنده کردن اذهان امت بود. به تعبیر محمدرضا حکیمی:

مرحوم علامه شیخ عبدالحسین امینی درک می‌کرد که جهان امروز صاحب صدها جریان فکری، فلسفی، سیاسی، تربیتی، اقتصادی و نظامی بین‌المللی است. بنابراین، مرزبان حماسه جاوید و سرپرستی کلیت موارث علمی و حقوقی و اجتماعی و سیاسی و اقدامی علی و آل‌علی را نمی‌توان چند سال فقه و اصول خواندن و طلبگی کردن فلان آقا کرد. (حکیمی، ۱۳۹۶ق: ۴۶۶ و ۴۶۷)

او هوشمندانه مدخل هر مجلد از کتاب «الغدير» را به تفکیک هر قرن، از شعر شاعران بزرگ جهان

اسلام آغاز کرد^۱ و به کندوکاو در آثار لغت‌شناسان و محدثان و مورخان و مفسران پرداخت. اگرچه در زمان انتشار مجلد اول الغدير، برخی از فقهای نجف اشرف آن را کتاب شعر نامیدند و حتی صرف سهم امام را برای انتشار آن جایز ندانستند، (شهیدی، ۱۳۵۲: ۶۸۶) اما الغدير آمده بود تا با چنین نگرش‌های تک‌بعدی و تنگ‌نظرانه در جهان اسلام مقابله کند. علامه امینی کوشید تا مفهوم وسیع‌تری از اصطلاح «علم علما» را ارائه دهد. سیدجعفر شهیدی، به درستی معتقد است که «امینی تکلیف مذهبی خود را در حد هشام بن حکم، ابوسهل نوبختی، صدوق، مفید و سیدمرتضی انجام داد». (حکیمی، ۱۳۹۶ق: ۴۶۴؛ شهیدی، ۱۳۵۲: ۶۸۶) و همو در بررسی وضعیت کلی معارف اعتقادی در سده‌های ۱۲ و ۱۳ هجری قمری و بیان این امر که نگارش الغدير، خلأ دو سده کم‌کاری را جبران کرد، می‌نویسد:

در طول دو قرن، نه تنها در اصول عقاید کتاب‌هایی در حد اعتقادات صدوق، شافی سیدمرتضی، و النض عبدالجلیل رازی تألیف نشد (که براساس منطق و خالی از دشنام و سخنان زشت و یا استدلال‌های غیرمعقول باشد)، در تفسیر قرآن کریم نیز کتابی که در ردیف تبیان شیخ طوسی و یا تفسیر ابوالفتوح رازی و جوامع الجامع شیخ طبرسی باشد، دیده نمی‌شود ... (همان: ۴۷۴)

از سوی دیگر، شیعه پس از شیخ طوسی و شیخ طبرسی به مدت چندین قرن، از نگارش تفسیری جامع بر قرآن مجید و نیز کوشش در احیای علوم قرآن باز مانده بود تا آنکه «المیزان فی تفسیر القرآن» اثر سیدمحمدحسین طباطبایی به این بحران پایان داد. برای نمونه، آیت‌الله محمدهادی معرفت در توضیح مُعضل مذکور در حوزه علمیه نجف اشرف، می‌نویسد:

انگیزه پرداختن به مسائل قرآنی در کنار فقه و اصول آن بود که هنگام مراجعات و مطالعه برای آمادگی تدریس تفسیر، به حقیقت تلخی برخورد نمودم و آن فقدان بحث زنده پیرامون مسائل قرآنی، در کتابخانه فعلی تشیع بود. و این برخورد تلخ از آنجا به وجود آمد که برای تهیه مقاله پیرامون مسئله «ترجمه قرآن» به کتابخانه اختصاصی قرآنی مراجعه می‌نمودم و در این زمینه کتاب‌های زیاد که برخی در دو مجلد و نیز رساله‌ها و مقالات بسیار از مصر و غیره در اختیار بود که دانشمندان معاصر آن دیار نوشته بودند. ولی در حوزه نجف جز یک برگه اعلامیه حضرت آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء، چیز دیگری نیافتم و این امر، گران نمود و بر آن داشت که در این زمینه (مسائل قرآنی) به طور گسترده، دیدگاه‌های دانشمندان گذشته و حال مکتب را روشن و ارائه دهم که نتیجه آن تلاش پیگیر، ۷ مجلد التمهید و ۲ مجلد التفسیر و المفسرون گردید که این نوشته اخیر در واقع تکمیل و تدارک مافات نوشته محمد حسین ذهبی مصری است که به ناحق، جایگاه تشیع را در حیطة قرآنی نادیده گرفته است. (پایگاه رسمی آیت‌الله معرفت)

علامه طباطبایی که جامع علوم عقلی و نقلی بود، در مقدمه المیزان به نقد بسیاری از انحرافات رایج در

۱. انتخاب مدخل شعر به خوبی نشان داد که برجسته‌ترین شاعران عرب، که فهم آنان حجت است، لفظ مولی در حدیث غدیر را به معنای امامت امیرالمؤمنین دانسته‌اند. وقتی بسامد آماری مضمونی در اشعار یک دوره تاریخی بالا رود، دیگر بیان آن مضمون یک اتفاق و در ردیف امور تصادفی نیست.

تفسیر قرآن از سوی متکلمان، فلاسفه (مکتب مشایی و اشراقی)، متصوفه، حس‌گرایان و تجربه‌گرایان پرداخت (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱ / ۲۳ - ۹) و روش خود را روش تفسیری قرآن به قرآن بر پایه تعالیم ائمه اطهار علیهم‌السلام معرفی کرد. (همان: ۱ / ۲۱) ایشان در عبارتی مهم تأکید کرد که حتی در یک مورد از تفسیر المیزان، آیه‌ای را بر معنایی خلاف ظاهر حمل نکرده و تأویلی جز تأویل مورد امضای قرآن و عترت ندارد.

نتیجه این طریقه از تفسیر این شده که در تمامی این کتاب و در تفسیر همه آیات قرآنی، یک بار هم نمی‌بینی که آیه‌ای را بر معنایی خلاف ظاهر حمل کرده باشیم، پس در این کتاب تأویلی که دیگران بسیار دارند نمی‌بینی. بله، تأویل به آن معنایی که قرآن در چند جا اثباتش می‌کند، به زودی خواهی دید که آن تأویل اصلاً از قبیل معانی نیست. (همان)

این سخن به آن معناست که تفسیر و تأویل آیات قرآن کریم تنها با اصول و قواعد قرآنی که مورد امضای معصوم علیه‌السلام است، امکان دارد. اهمیت کار علامه در المیزان، روشنگری درباره شیوه جستجو از معانی قرآن کریم است؛ به‌ویژه آنکه جامعه ایران چه در دوران پیش از انقلاب و چه در دوران پس از انقلاب اسلامی، دچار خلط مفاهیم و روش‌های علوم غربی (مانند هرمنوتیک) در اعتقادات و علوم قرآن شده است و نگارش المیزان با شیوه خاص خود، نشان از آینده‌نگری دقیق علامه طباطبایی دارد. یکی از وجوه امتیاز المیزان، تفکیک مباحث و روش‌های مطالعاتی در بررسی مسائل اعتقادی و اجتماعی است. چنان‌که بحث‌های روایی، تاریخی، فلسفی و اجتماعی از متن تفسیر قرآن خارج شده‌اند. از منظری دیگر، تفکیک مسائل و روش‌ها شأن دورانی است که در آن خلط مفاهیم و روش‌ها روی دهد. این امر توجه به قُبْح خلط مفاهیم و روش‌ها در علوم انسانی و الهی را محسوس‌تر می‌کند؛ شیوه‌ای که مورد تحسین علامه طباطبایی بود و آن را به شاگردانش می‌آموخت. (حسینی طهرانی، بی‌تا: ۲۶)

حضرت امام خمینی ره شخصیت مهم دیگر شیعی است که بارزترین نقش را در رهبری و هدایت صحیح انقلاب اسلامی داشت. امام خمینی به تجربه ناکام مشروطیت و روی کار آمدن رضاخان توجه داشت و آشنایی عمیقی با اندیشه‌های شهید شیخ فضل‌الله نوری، میرزا حسین نائینی و شهید سیدحسن مدرس داشت و اگر علامه امینی به تأسیس شیوه‌ای نو در فقه تاریخ و اعتقادات استدلالی پرداخت و علامه طباطبایی باب نوینی را در تفسیر قرآن و علوم و معارف قرآنی گشود، امام خمینی، با تأکید بر فقه سنتی جواهر، به تجدید حیات باب‌هایی مهجور از فقه شیعه، درباره حکومت و اجتماع مبادرت کرد. نوآوری و تجدید حیات فقه سیاسی ایشان بر پایه فقاہت سنتی شیعه بود. چنان‌که در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود نوشته‌اند:

لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درس‌هایی که مربوط به فقاہت است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریقه مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند ... (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۲۸)

گاه تألیف یک اثر می‌تواند سطح عمومی معارف را ارتقا دهد؛ چنان‌که دیگر نتوان آن را نادیده گرفت.

پس از نگارش الغدیر و المیزان و گشوده شدن باب ولایت فقیه، فضای مباحث و تحقیقات در آن حوزه‌ها به نحو چشمگیری ارتقا یافت و غالب علما و مدارس شیعه تحت تأثیر عظمت کار این سه عالم بزرگ قرار گرفتند. آثار آنان موجب شد تا سطح معارف حوزه‌های علمیه، به نسبت قبل ارتقا یابد. در اینجا خاطرنشان می‌شود که هر سه عالم مورد بحث، شخصیت علمی جامعی داشتند، اما در یک یا دو زمینه علمی در انقلاب اسلامی مطرح شدند. برای مثال در صورتی که به شعارهای انقلاب اسلامی ایران رجوع کنیم، امام خمینی علیه السلام به عنوان یک فقیه و مرجع تقلید، مورد توجه عامه انقلابیان است و نه به عنوان یک فیلسوف. بنابراین در آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی، باید آموزش سه حوزه قرآن، اعتقادات و ولایت فقیه بر آموزش فلسفه اولویت بیابد و آموزش فلسفه (به‌ویژه فلسفه غرب) نیز از شکل غالب کنونی آن که به انتقال پاره‌ای از محفوظات نادرست تقلیل یافته است، به مسیر صحیحش تغییر جهت داده شود. البته این سخن به معنای نفی مطلق فلسفه نیست.

حلقه تقریب مذاهب اسلامی

دوران آیت‌الله العظمی بروجردی، دوران باشکوه تقریب میان مذاهب اسلامی بود که با مشارکت شیخ محمود شلتوت (۱۳۸۳ - ۱۳۱۰ ق/ ۱۹۶۳ - ۱۸۹۳ م) مفتی بزرگ الازهر، به اوج خود رسید. حلقه تقریب مذاهب اسلامی با بستر احیاء علمی شیعه در اعتقادات، قرآن و فقه، در یک فضای مشترک اعتقادی بودند.

نقطه تحول در اندیشه معاصر تقریب میان مذاهب اسلامی، با تلاش‌های شیخ محمدتقی قمی (۱۳۶۹ - ۱۲۹۸) آغاز می‌شود. احساس ضرورت باهم بودن و همدلی برای حل مسائل داخلی و بیرونی جهان اسلام سرانجام به تأسیس دارالتقریب قاهره (۱۹۴۷ م) انجامید که دوران تکوین اولیه آن در سال‌های ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۶ م بود. اگرچه برای مدتی فعالیت‌های آن به دلیل جنگ جهانی دوم کاسته شد، اما همین امر موجب شد با بازگشت شیخ محمدتقی قمی به ایران، حمایت رسمی جمعی از علمای شیعه از جمله آیت‌الله العظمی سیدحسین طباطبایی بروجردی را از دارالتقریب قاهره جلب کند. در واقع تقریب، دغدغه‌ای اسلامی و فراتر از یک مذهب و یا اندیشه، متعلق به همه مذاهب اسلامی است. (قمی، ۱۳۸۹) با تأسف باید گفت که تاکنون جایگاه تقریب مذاهب اسلامی در انقلاب اسلامی چنان‌که باید، مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است. به‌ویژه آنکه:

۱. غالب علمای انقلابی ایران، قائل به تقریب مذاهب اسلامی بودند. تا آنجا که می‌توان گفت: انقلاب ایران انقلابی با اندیشه تقریبی بود و هویت تقریبی، جزء لاینفک آن است.
۲. امام خمینی، علامه امینی و علامه طباطبایی هر سه معتقد به تقریب مذاهب اسلامی بودند و وحدت میان مسلمانان را با حفظ اصول لازم می‌دانستند. شهید مطهری مقاله‌ای مشهور با عنوان «الغدیر و وحدت اسلامی» در یادنامه علامه امینی نوشته است که به تفصیل بر نقش تقریبی علامه امینی اشاره می‌کند. (گروهی از دانشمندان، ۱۳۵۲: ۲۴۲ - ۲۳۳)
۳. بدون استفاده از زبان مشترک تقریبی، هیچ یک از پیام‌های انقلاب اسلامی ایران، مانند

استقلال خواهی، حاکمیت قوانین اسلامی و ... قابل انتقال به جهان اسلام نیست.

۴. تقریب هم در بُعد داخلی «وحدت اسلامی» و هم بعد بیرونی آن در جهان اسلام اهمیت دارد. قدرت اسلام و مسلمین در وحدت آنها و دوری از تفرقه است. بنابراین، تقریب مذاهب اسلامی در صف مقدم مبارزه با استعمار در جهان اسلام قرار دارد.

۵. مخالفان انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام، همان مخالفان تقریب مذاهب اسلامی هستند.

۶. موافقان انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام، همان موافقان تقریب مذاهب اسلامی هستند.

موارد مذکور و تجربه گرانتقد دارالتقریب قاهره، مبنای بسیار خوبی برای ایجاد مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در سال ۱۴۱۱ق برابر با ۱۳۶۹ در تهران شد که با دستور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام معظم رهبری فعالیت خود را آغاز کرد و علمای بزرگی همچون آیت‌الله شیخ محمدعلی تسخیری و آیت‌الله شیخ محمد واعظزاده خراسانی در آن سهم بسزایی داشته‌اند. وظیفه آن مجمع، ارتباط با علمای تقریبی مذاهب اسلامی، تصمیم‌گیری مشترک علمای مذاهب اسلامی برای ساختن فردایی بهتر برای جهان اسلام از مسیر وحدت و همدلی مسلمانان است که آن را از طریق برگزاری همایش‌ها، نشست‌ها و انجام پژوهش‌های تقریبی و انتشار کتاب و مجلات مختلف دنبال می‌کند و البته مهم‌ترین عرصه آن، طرح ایده وحدت اسلامی تقریب مذاهب در عرصه فقهی است تا ضمانت لازمی برای اجرای توصیه به وحدت حاصل شود. در این زمینه آیت‌الله تسخیری می‌نویسد:

وقتی به ایده تقریب نزد فقها نظر افکنیم، درمی‌یابیم که این ایده، دو گونه سمت‌گیری مهم داشته است: یکی فقه تقریبی و دیگری تقریب فقهی است. وجه اشتراک این دو مقوله، در آن است که به وجود پیوند میان فقه و تقریب اعتقاد دارند؛ اما تقریب فقهی موضوع تقریب را از دیدگاه موقعیتی که در مجموعه فقه دارد، بررسی می‌کند. حال آنکه فقه تقریبی به فقه از دیدگاه موقعیتی که در روند تقریب دارد، نظر می‌افکند. (تسخیری، ۱۳۹۰: ۹۶ و ۹۷)

آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی - نگاه به آینده

در سال‌های پس از دهه ۱۳۷۰، مخالفان انقلاب اسلامی، کوشش وسیعی برای تجدیدنظر در اعتقادات، باورهای قرآنی و فقه اسلامی ایرانیان انجام دادند. اتخاذ این روش، امری اتفاقی نبود، بلکه آنان متوجه اهمیت جایگاه علوم قرآن، اعتقادات و فقه سنتی در ایجاد بستری شده بودند که امکان قابلیت پذیرش استعمار در میان مردم ایران را محال می‌کرد و به تدریج مشخص شد تا دستاوردهای این سه مُجدد بزرگ شیعه جاری و باقی است، امکان تغییر مسیر انقلاب اسلامی ایران ناممکن است. در حقیقت از ناحیه آسیب‌شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، خطری که انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند، از میان رفتن دستاوردهای علمای مذکور و بی‌اعتنایی به آنها در حوزه علوم انسانی است.

در مطالعات آسیب‌شناسانه مسائل اجتماعی و فرهنگی، بودن یا نبودن یک یا چند معضل، چندان مهم

نیست؛ بلکه «بسامد» آماری آن معضل اهمیت دارد. بسامد بالا و چشمگیر رخداد یک واقعه یا یک اندیشه، بیانگر ظهور یک سبک و رویه است که در موضوع مورد بحث، دلالت بر کوششی هدفمند در خروج از بافت طبیعی و بومی انقلاب اسلامی ایران دارد. از دهه ۱۳۷۰ بسامد تردیدافکنی در دستاوردهای بزرگ علامه امینی، علامه طباطبایی و امام خمینی افزایش یافت که در موضوعاتی مانند قرآن، نبوت و امامت و مهدویت و تطبیق فقه با حقوق بشر غربی دیده می‌شود. موارد مذکور گاه در قالب قرائت مدرن از اسلام و گاه با عنوان ستیز با ایدئولوژی دینی منتشر شده‌اند. همین امر موجب شد تا بخشی از زندگی علمی شاگردان از قبیل آیات عظام: سیدمحمدحسین حسینی طهرانی، عبدالله جوادی آملی و محمدتقی مصباح‌یزدی، در دفاع از دستاوردهای آن بزرگان سپری شد که به خوبی در منبع‌شناسی آثارشان مشهود است.

با عنایت به آنچه گذشت، بهترین راه برای حفظ انقلاب، تقویت معرفتی بسترهایی است که در آن روی داده است و فراهم کردن فضا برای پیشرفت و بالندگی آن است. در وضعیتی که آموزش فلسفه غرب در ایران، به ارائه توصیفی از خلاصه افکار و آرای اندیشمندان مُدرن غربی تقلیل یافته است و به‌جای انتقال مجموعه‌ای از اطلاعات صحیح، به مجرای برای کسب اعتقادات مبدل شده است؛ و نیز در وضعیتی که جامعه با گسترش خلط و آمیختگی «بدون ضابطه» اعمال روش‌ها و شیوه‌های پژوهشی غربی درباره علوم اسلامی مواجه است؛ باید ضمن تصحیح مسیر آموزش فلسفه در دانشگاه‌ها، روش‌شناسی سه شخصیت مورد بحث وارد آموزش «روش پژوهش» شود تا بار دیگر در قالب پژوهش‌هایی نوین از سنخ پژوهش‌های شهید مرتضی مطهری، سیدعبدالعزیز طباطبایی یزدی (۱۴۱۶ - ۱۳۴۸ق) و عبدالله جوادی آملی در قالب نوآوری‌های جدید عرضه شوند و مضامین بلندشان به جزوات شب امتحان مبدل نشوند.

نتیجه

همانند پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تداوم آن نیز نیازمند بسترهای فرهنگی و اعتقادی است که موجب از میان بردن قابلیت پذیرش استعمار و استبداد شود. شکل‌گیری دو جریان مهم شیعی در پیش از پیروزی انقلاب موجب ایجاد چنین وضعیتی شد که برای تداوم انقلاب اسلامی نیز باید آن را تقویت کرد. آن دو جریان مذکور عبارتند از: حلقه مجددان مذهب شیعه و حلقه پیروان تقریب مذاهب اسلامی. از آغاز غیبت صغری (۲۶۰هـ) تا امروز، در هر دوره‌ای عالمانی با کوشش‌های علمی و عملی خویش، مسیر فکری مذهب شیعه را تثبیت کرده‌اند که به آنان مجدد مذهب گفته می‌شود. اینان در دوران معاصر عبارتند از: علامه امینی (احیای فقه تاریخ در حوزه اعتقادات)، علامه طباطبایی (احیای تفسیر قرآن بر پایه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام) و امام خمینی (احیای فقه سیاسی ولایت فقیه). حلقه تقریب نیز با پیشگامی آیت‌الله العظمی بروجردی شکل گرفت. آنان ادبیاتی را خلق کردند که با ارتقای سطح مباحث، فعالیت در سه حوزه فقه تاریخ (ولایت)، فقه سیاسی و علوم قرآن را در جامعه شیعی زنده کردند. اغلب روحانیان انقلابی، از شاگردان مجددان مذهب و نیز

از پیروان تقریب مذاهب اسلامی بوده‌اند و از این رو، انقلاب اسلامی ایران از همان بدو ظهور، شعار برادری و وحدت اسلامی در جهان اسلام را سر داد. همچنین این موضوع که دوستان انقلاب اسلامی در جهان اسلام، معتقد به تقریب مذاهب اسلامی‌اند و دشمنان آن مخالفان تقریب، خود نشانه‌ای است از اهمیت این جریان. در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ ه.ش، کوشش برای تضعیف مبانی اعتقادات در میان شیعیان و اختلاف‌افکنی در رابطه میان شیعه و اهل سنت افزایش یافته که می‌تولد برنامه‌ریزان و مجریان دلسوز انقلاب، اولویت اصلی خود را متوجه حفظ و ارتقای دستاوردهای این دو جریان اصیل در تاریخ معاصر جهان تشیع کنند.

منابع و مآخذ

۱. امام خمینی، ۱۳۷۹، *صحیفه انقلاب*، وصیت‌نامه سیاسی الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی علیه السلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ سیزدهم.
۲. امینی، عبدالحسین، ۱۴۱۴ق، *الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب*، ج ۱، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳. _____، *ترم‌افزار کتاب شریف الغدیر*، گنجینه معرفت.
۴. پایگاه رسمی حفظ و نشر آثار علامه حضرت آیت‌الله حاج محمد هادی معرفت، (تاریخ مشاهده: ۱۱ تیرماه ۱۳۹۱ ش) بخش زندگی‌نامه با عنوان: زندگی استاد به قلم خودشان، به نشانی: <http://marefat.info>
۵. تسخیری، محمد علی، ۱۳۹۰، *گزیده‌ای از اندیشه برخی از شخصیت‌های تقریبی*، (گردآورنده) محمدحسن تبرائیان، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چ اول.
۶. جهامی، جیرار، ۲۰۰۲م، *موسوعة مصطلحات الفکر العربی و الاسلامی المعاصر و الحدیث*، بیروت، دارالکتاب اللبنانی، طبعه الاولى.
۷. حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین، بی‌تا، *مهر تابان یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه عالم ربانی علامه سیدمحمد حسین طباطبایی تبریزی افاض الله علینا من برکات تربیته*، قم، مؤسسه انتشارات باقرالعلوم.
۸. حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۹۶ق، *حماسه غدیر*، تهران، چاپ درخشان.
۹. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۵، *روزگاران دیگر از صفویه تا عصر حاضر*، تهران، سخن، چ اول.
۱۰. شهیدی، سید جعفر، ۱۳۵۲، «تطور مذهب شیعه و امینی مجدد مذهب»، *مجله یقما*، شماره ۳۰۵، بهمن ۵۲.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمد حسین، ۱۳۶۳، *تفسیر المیزان*، ج ۱، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. قمی، محمدتقی، ۱۳۸۹، *سرگذشت تقریب یک فرهنگ: یک امت*، (مقدمه و ملحقات)، سیدهادی خسروشاهی، ترجمه محمد مقدس، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چ اول.
۱۳. گروهی از دانشمندان، ۱۳۵۲، *یادنامه علامه امینی*، به اهتمام سیدجعفر شهیدی و محمدرضا حکیمی، تهران، قم، مؤسسه انتشارات رسالت.
۱۴. نورایی، فرشته، ۱۳۵۲، *تحقیق در افکار میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله*، تهران، کتاب‌های جیبی، فرانکلین.